

# نظام مالی ملی و نقش آن در استحکام دولت افغانستان

نویسنده: مساپر کوچی

۱۲ جنوری ۲۰۱۱

اخیراً بخش فارسی بی بی سی طی گزارش نسبتاً طویل بودجه سالانه افغانستان و منابع تمویل مالی آنرا ارائه داشته، که حاوی برخی پیشبینی های غیردقیق، غیرعلمی و احتمالاً غیرعملی میباشد. خبرنگار توانسته است تا نظریات یک عده دانشمندان محترم داخلی و خارجی و مسوولین امور مالی و اقتصادی افغان را در آن درج نماید. در گزارش بودجه عادی به رقم ۲،۳ میلیارد دالر و بودجه انکشافی به رقم ۲،۰۴ میلیارد دالر قلمداد گردیده، ارقام مجموعی بودجه سالانه افغانستان بالغ بر ۴،۵ میلیارد دالرامریکایی می گردد، که قریب بیش از نصف منابع تمویل کننده بودجه عادی و مجموع بودجه انکشافی از کمک خارجی می باشد. اکنون حجم تمویل منابع خارجی در بودجه، یک عدد سه برچهارم (۳/۴) حصه را نشان داده، از جانب دیگر چنین منابع نمی تواند ثابت و دائمی باشد. ارقام رشد اقتصادی کشور که توسط مسؤلین بلند رتبه دولتی افغانستان بطور تصادفی و یا خوشبینانه دراطلاعات جمعی ملی و بین المللی اظهار میدارند نیز پایه های تمویل مطمئن ملی ندارد.

[http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2011/01/110107\\_109\\_af\\_economic\\_chalengies\\_zia.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2011/01/110107_109_af_economic_chalengies_zia.shtml)

دراین یادداشت مختصر میخواهم مکت کوتاهی را بر برخی از آن موارد داشته باشم. **اول:-** با وجود آنکه افغانستان یک کشور زراعتی شمرده میشود، زراعت بحیث سکتور عمده در ساختار اقتصادی شناخته شده است، امکانات زودرس بودن پروژه های زراعتی از بسی منابع دی گار تمویل مصارف مالی بودجه کشور زود ترمیسر شده میتواند، که با وجود همکاری های فراوان اقتصادی و نظامی جامعه جهانی سهم تولیدات زراعتی و عواید مالی ناشی از آن در نه سال گذشته، درج ارقام آن در پلانهای بعدی انکشاف زراعت در راپور بودجه افغانستان دیده نمی شود.

**دوم:-** اتکا برپیشبینی های عواید مالی از منابع و مدارک دیررس چون معادن زیر زمینی استخراج نشده افغانستان، که بوقت لازم طولانیتر و سرمای گذاری کافی نیاز دارد، بنا تا آنزمانیکه چنین زمینهای عینی و عملی بدست عواید آن حاصل نگردد، نمی تواند همچو سهم هن گفت را در تمویل بودجه کشور داشته باشد.

**سوم:-** عواید ترانزیتی پیشبینی شده ناشی از پروژه امتداد لوله گاز ترکمنستان که قرار است از طریق افغانستان، پاکستان به هند امتداد یابد، ولی تا اکنون ساخته نشده و به حاصل نیامده است. از جانب دیگر این پروژه با نا رضایتی های بازیگران منطقوی چون ایران و روسیه نیز مواجه است. همچنان پروژه متذکره با در نظر داشت وضع کنونی امنیتی و مسیر راه طولانی عبور آن در خاک افغانستان و پاکستان یک کارمشکل تخنیکی نیز بوده که برای آن وقت و زمان انجام کار نمی تواند بطور دقیق تعیین گردد.

یکی از نمونه های بارز عکس العمل نارضایتی ایران همین اکنون در عمل در جریان دارد، که متأسفانه با لبخند مقامات دولتی افغانستان پذیرایی می گردد. با آنکه افغانستان و ایران هردو از اعضای پیمان تجارت منطقوی ایکو (ده کشور عضو تبادل تجارت منطقه آسیا) هستند، ایرانیها در روزهای سخت و دشوار زمستان بیشتر از یکماه می شود که به بهانه کنترل صادرات نفت ورود هزاران تانکر مواد نفتی تجار افغان را در بنادر اسلام قلعه و چاه بهار به افغانستان توقف داده اند. که تا کنون با وجود تقاضاهای مکرر جانب افغانستان و سفرهیات جانب افغانی به سطح معاون اول رییس جمهور به آنکشور هیچگونه اثر مثبت را بار نیآورده است. سفیر ایران در کابل در مورد اعتراضات و راهپیمایی های اخیر افغانها در مورد توقف تانکرهای تیل از جانب ایران به حکومت افغانستان آمرانه اخطار میدهند که جلو این اعتراضات را بگیرد و فعالین اعتراضیه را نیز باز داشت نماید. معنی این اخطاریه ها اشارتاً به همکاری افغان آنهاست که در صورت عدم اطاعت اوامردرآینده بکسهای پول نقد خصوصی برای آنها داده نخواهند شد.

[http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2011/01/110113\\_u03\\_kabul\\_demo\\_iran.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2011/01/110113_u03_kabul_demo_iran.shtml)

مشکلات امنیتی ترانزیتی پروژه گاز که مسیر امتداد آن بیش از هشتصد (۸۰۰) کیلومتر طول آن در خاک افغانستان و حدود از هفتصد و پنجاه (۷۵۰) کیلو متر آن در خاک پاکستان قرار دارد، در هر دو کشور هنوز هم مشکلات امنیتی آن بر طرف نگردیده است.

براساس عدم استقرار امنیت منطقی بوده است، که قریب هژده ( 18 ) سال از طرح اولی این پروژه می‌گذرد، ولی نتوانسته است تا علاقمندی های سرمایه گذاران بین المللی را بخود جلب نماید. طوریکه قبلاً نیز اشاره شد، کاراعمار ساختمان پروژه عملاً هم آغازن‌گردیده است. پیشبینی چنین اقلام عایداتی اکنون در بودجه مالی سالانه کشور بنابر مشکلات فراوان فوق که در مورد حصول مطمئن آن موجود است، رسیدن به نتایج مثبت در کار کوتاه مدت دل خوش ساختن، عادت طفلانه است و در عمل بعید بنظر میرسد.

**چهارم:-** منابع عواید مالی چون ازدیاد نامتناسب محصول تعرفه های گمرکی کنونی در کشور بر واردات و صادرات برعکس تأثیرات منفی خود را بر رشد اقتصادی کشور کم رشد چون افغانستان کاملاً بجای گذاشته است. اکنون مدارک عواید تعرفه گمرکی افغانستان ( که بیشتر آنها هم از مدرک واردات کالا های و امتعه مصرفی در کشور است) پنجاه در صد مجموع مدارک عواید منابع مالی داخلی دی‌گر را تشکیل میدهند. این رقم نظریه سطح پایین رشد تولیدات اقتصادی کشور از معیارهای علمی و عملی رشد متناسب اقتصادی سی درصد (۳۰٪) بلند تر است.

**پنجم:-** جمع آوری عواید مالیات بر عایدات ملی نیز با مشکلات گوناگون مواجه بوده که حصول آن در اوضاع و احوال کنونی کشور، در صورت عدم موجودیت یک سیستم جمع آوری دقیق و آن منظم ناممکن است. مالکان عواید بزرگ در اداره دولت با یک قوت قوی مسلط اند، نه خود شان از عواید خویش مالیه دولتی را می پردازند و نه کسی و یا قدرت دی‌گری هم در کشور وجود دارد که مالیه دولتی را از آنها حصول نماید. یک نمونه کوچک آن غصب ملکیت‌های دولتی تاریخی شیرپور ( که مردم به آن شیر چور نام داده اند). شهر کابل است، که توسط زورمندان بلند پایه دولتی صورت گرفته و غاصبین آن حتی با فریاد های لوی خرنوال کشور هم گوش فرا نداده اند و سالهاست که حاضر نشده اند تا اقلاً قیمت نا چیزی را ازین غصب خودسرانه و زورمندانه را، به ارگان دولتی چون بناروالی کابل بپردازند.

این مدرک مهم عواید نیز نمی تواند سهمی را در تمویل بودجه ملی کشور داشته باشد.

**ششم:-** موضوع دی‌گر ایکه در این راپور بطور عام ذکر شده، موجودیت فساد اداری گسترده است که بشکل متحدالمال طبق معمول از آن در الفاظ یاد آوری گردیده است،

مگر روشن نگردیده است که این پدیده شوم با کدام مشخصات مربوط آن در کجا و چگونه قرار دارد. واقعیت امر این است که وضع به آن حالت قرار دارد که دزد هم فریاد میکشد و صاحب خانه هم، پس این همه نابسامانی های فساد اداری کنونی دولتی را کدام مرجع و چه کسی در این کشور بیچاره جمع بندی و حل فصل خواهد نمود.

قسمت بزرگی از دارایی ها و سرمایه کنونی با مالکان جدید آن، چنان محصولاتی اند که سرکرده های جنگ و قدرتمندان دولتی آنرا از راه های غیر مشروع، غیر قانونی و حتی بشکل جنایی بدست آورده اند، این چنین افراد بدون در نظر داشت رعایت قوانین مالی کشور با خاطر آرام میتوانند از طرق راهای هوا و زمین میلیون دالر نقد را به خارج از کشور انتقال دهند و باعث رکود در اقتصادی گردیده و بلاخره سقوط بانکهای خصوصی جدیدالتاسیس را نیز با خود داشته باشد. یکعده از این افراد خود شان در ایجاد همچو بانکهای خصوصی نیز سهیم بوده اند. از چنین سرمایه های جنایی در اوضاع کنونی نمی توان در رشد اقتصاد ملی کشور استفاده مؤثر نمود.

**هفتم:-** یکی از مسایل مبرم، موجودیت مصارف سنگین امنیتی دولت افغانستان است، ولی در عین حال کمر شکن. مصارف هنگفت و کمر شکن موجود نیروهای امنیتی کنونی افغانستان ناشی از آنست که با تغییر شکل خدمت سربازی زیر بیرق ویا مکلفیت دوساله بدون معاش آن به سربازان داو طلب معاش دار که در نتیجه انحلال اردوی عنعنوی یا قوای مسلح دولتی افغانستان توسط حکومت مجاهدین در سال ۱۳۷۱ بوجود آمده است، ارتبا می گیرد. اکنون مصرف پولیس ملی و اردوملی افغانستان سالانه بالغ بر یک میلیارد دالر رسیده است، که نصف مجموع بودجه عادی کشور را تشکیل میدهد. ارقام مصارف نیروهای امنیتی افغانستان تا سال 2014 میلادی به بیش از سه (3) میلیارد امریکایی افزایش می یابند. بر علاوه سنگینی کنونی آن در مراحل بعدی ازدیاد آن برای کشور جنگ زده چون افغانستان طاقت فرسا است. میرهن است که تداوم کمک های خارجی با این حجم کنونی آن برای افغانستان هم ابدی نخواهند بود. موجودیت چنین بارهای سنگین مصارف نظامی در افغانستان زمینه استقلال اقتصادی کشور را حتی در طویل المدت کاملاً بعید میسازد.

**هشتم:-** رقم دی‌گری قابل توجه در بودیجه عادی افغانستان معاشات بی نهایت بلند مقامات عالی حکومت، پارلمان، و قضات است که چنین افزایش معاشات در طول تاریخ افغانستان با چنان معیارهای تفاوت هن‌گفت آن با معاشات سایر کارمندان دولتی در هیچ یک از دولتهای ماقبل افغانستان سابقه نداشته است. هرگاه معاش ماهوار یک مامور ویا یک معلم را در افغانستان که شخصاً مکلف به اعاشه یک فامیل است، حدود مبلغ پنجهزار (۵۰۰۰) افغانی در نظر بگیریم و آنرا با بلندترین رقم معاش ماهوار مقام عالی حکومتی که مبلغ یکصد و هفتاد و پنج هزار ( ۱۷۵۰۰۰) افغانی است مقایسه کنیم، معاش مقام عالی حکومتی سی و پنج (۳۵) مرتبه از معاش یک مامور ویا یک معلم بلندتر است. این تفاوت فاحش نه تنها در افغانستان بلکه در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان نیز سابقه نداشته است.

**نهم:-** در طی نه سال گذشته با وجود ضرورت عینی ارتقاء ظرفیت کاری در کشور که کاملاً محسوس بوده و هست، دولت از کادرملی مجرب موجود کشور حد اقل استفاده را نکرده است. ساختار کنونی دولتی فقط و فقط متکی بر اصول تنظیمی و رقابتهای ذات البینی خود شان بر سر سهام استوار است. بارزترین ممیزه شایستگی مقرریهای مقامات عالی دولتی از همه اولتر وابستگی تنظیمی، گروهی، قومی و فامیلی..... است. هرگاه هر یکی از ادارات مهم دولتی بخصوص جا های پردرآمد عواید بشمول بعضی از نماینده گیهای مهم سیاسی افغانستان در خارج را از نگاه کادری بدقت مطالعه نمایید، اداره کنونی به آن دوکان انتیکی شباهت دارد که در آن تنها از همه نمونههای امتعه تنظیم ها به اندازه قدرت شان دیده می شود که در حاکمیت مرکزی متناسب با آن نفوذ و قدرت دارند. برعکس زمامداران امور دولتی بخاطر اغفال ذهنیت عامه مردم بیچاره همه جاه لاف از دولت ملی و اسلامی وغیره میزنند، و در عمل آثار از دولت ملی وجود ندارند. تعدادی از کادرهای نوجوان که فاقد تجارب کاری اند، در پست های بلند و مهم دولتی گماشته شده اند. کشور با عدم حضور مریبان با تجربه ملی با متخصصین خارجی کشورهای کمک کننده همواره مواجه بوده و مسیر راه رشد اقتصادی افغانستان را کاملاً به بیراهه کشانیده اند، که راپور کنونی فوق مالی خود نمایان گر یکی از دلایل اثبات آن میباشد.

ساختار مسله رشد اقتصادی کشور و مصارف امنیتی با استحکام دولتهای مرکزی در افغانستان بنا بر موقعیت جغرافیایی و سوق الجیشی آن دارای مشکلات و ریشه های

تاریخی مربوط به خود است. جن‌گهای بیش از سی سال اخیر نیز پرابلمها و مشکلات جدید را بر آن علاوه نموده است که بررسی همه علل و عوامل آن از حوصله این یادداشت مختصر خارج است و از تذکر مفصل آن فعلاً صرفنظر مینمایم.